

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

رسوایی و عقاب
سرانجام برخی اصحاب

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۷

۲۳ ربیع الثانی ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن
يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ
أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾^(۱) .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به سوی خدا توبه کنید، توبه‌ای
خالص، امید است با این کار پروردگارتان گناهانتان را ببخشد
و شما را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش
جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند، پیامبر و
کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند، این در حالی
است که نورشان پیشا پیش آنان و از سوی راستشان در

۱-سورة تحریم، آیه ۸.

حرکت است و می‌گویند: پروردگارا نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانایی.

صحابه، ایمن از عذاب و رسوایی؛

در سلسله مباحث آیات امامت و ولایت که مدتی است به آن پرداخته‌ایم، گفتیم که علما و متکلمین اهل سنت برای اثبات عدالت تمامی صحابه رسول صلی الله علیه و آله و سلم به آیاتی از قرآن کریم استناد می‌کنند. تا کنون هشت آیه‌ای که آنان برای صحت نظر خود به آن تمسک می‌کنند را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدیم که هیچ یک از آن آیات توان اثبات ادعای علمای اهل سنت را ندارد.

نهمین آیه‌ای که نظریه پردازان عدالت تمامی صحابه به آن استناد می‌کنند، آیه هشت سوره مبارک تحریم می‌باشد خداوند متعال در این آیه می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُم سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به سوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص، امید است با این کار پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما

را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند، پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند، این در حالی است که نورشان پیشا پیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است و می‌گویند: پروردگارا نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانایی.

آیه فوق بدین مضمون است که خداوند متعال در روز قیامت، پیامبر ﷺ و کسانی که همراه ایشان ایمان آورده‌اند را خوار و رسوا نمی‌کند و از عذاب و عقاب الهی در امانند. نور ایمانشان همراهشان در حرکت است و جلوی پای آنان را روشن می‌سازد. در آن روز مؤمنان از خداوند می‌خواهند نورشان را کامل کند و گناهانشان را ببخشد.

کیفیت استدلال به آیه فوق برای اثبات عدالت تمامی صحابه بدین قرار است؛ خداوند سبحان به پیامبر ﷺ و همه صحابه - که همراه ایشان ایمان آورده‌اند - وعده امنیّت و مصونیت از عذاب و رسوایی می‌دهد. این وعده مخصوص کسانی است که تمام دوران زندگی را با ایمان سپری کرده و مؤمن از دنیا رفته باشند. چنین افرادی حتماً انسانهایی عادل می‌باشند. به عبارت دیگر، خداوند سبحان وعده داده است که همه صحابه از رسوایی و عذاب در امان‌اند و برای اینکه صحابه از چنین کرامتی برخوردار باشند باید تمام دوران حیات را با ایمان طی کنند. قطعاً چنین افراد و صحابه‌ای مزین به صفت عدالت خواهند بود.

نقد استدلال اهل سنت؛

پس از بیان استدلال اهل سنت به این آیه، باید توجه داشت که هنگامی استدلال فوق مقرون به صحت می‌باشد و می‌توان به عدالت تمامی صحابه حکم داد که به سه پرسش زیر پاسخی مناسب داده شود.

۱- آیا تمام کسانی که از عذاب و خواری در امان هستند، عادل می‌باشند؟ به عبارت دیگر آیا رسوا شدن فاسقین از سوی خداوند سبحان به این معنا است که هر که رسوا نشود عادل است؟

۲- حرف واو در آیه مورد استشهاد ﴿لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾ از نظر ادبی به چه معنا می‌باشد؟ اگر واو عاطفه باشد ادعای اهل سنت درست می‌باشد. اما اگر واو حرف استیناف^(۱) باشد، ادعای آنان ثابت نمی‌شود.

۳- از آیه مورد نظر یا از آیات دیگر باید ثابت شود که همه صحابه مؤمن بودند و با ایمان کامل از دنیا رفتند؛ به عبارت روان‌تر باید ثابت شود که صحابه، دوران زندگی خود را با ایمان سپری کرده و در نهایت بدون لغزش از دنیا رفته‌اند.

الف: عدم تلازم عدالت و مصونیت از عقاب؛

اکنون که در طریق استدلال اهل سنت بر این آیه حدّ اقل سه پرسش کلیدی طرح شد جا دارد با پاسخ دادن به این سؤالات صحت و سقم استدلال اهل سنت را مورد بررسی قرار دهیم، هر چند که پاسخ دادن به این سؤالات

۱- در صفحات بعد توضیح معنی «واو عاطفه» و «واو استیناف» بیان می‌شود.

وظیفه مدعیان درستی نظریه عدالت صحابه است.

پرسش اول این بود که آیا هر کس که از رسوایی در امان باشد، عادل است؟ برای پاسخ به این پرسش نخست معنای «خزی» را بررسی می‌کنیم. **خزی** در لغت دارای دو معنا^(۱) می‌باشد که عبارتند از:

۱ - رسوایی و شرمساری؛ حال تفاوت نمی‌کند که این شرمساری در برابر دیگران باشد، یا فرد، نزد خود شرمسار و خجل گردد.
۲ - عقاب و عذاب.

اگر منظور از «خزی» در آیه فوق، رسوایی و شرمساری باشد، نمی‌توان عدالت صحابه را ثابت نمود. عدم افتضاح و شرمساری صحابه و مؤمنین در قیامت دلالت بر عدالت آنان ندارد. ممکن است عده‌ای در قیامت مورد رحمت الهی قرار گیرند و رسوا نشوند ولی مستقیم به جهنم هدایت شوند؛ بنابر این بین عدم رسوایی در قیامت و عدالت در دنیا تلازمی وجود ندارد.

اما اگر معنای «خزی» عقاب و عذاب باشد؛ یعنی خداوند در روز قیامت پیامبر ﷺ و صحابه‌ای که همراه ایشان ایمان آورده‌اند را عقاب نخواهد کرد. اما باید به این نکته ظریف توجه داشت که هر تضمینی برای عدم عقاب در آخرت به این معنا نیست که شخص در تمام دوران حیات خود عادل بوده و با ایمان کامل از دنیا رفته باشد. چه بسا افراد گناهکاری که در لحظات آخر عمر مورد عفو و بخشش الهی قرار می‌گیرند. گروهی از این افراد به خاطر ابتلات و سختی‌های

۱- کتاب العین، جلد ۴ صفحه ۲۹۰.

دنیوی در عالم برزخ بخشیده می‌شوند. عدّه دیگری از ایشان گناهکار می‌میرند و در برزخ نیز مورد عفو قرار نمی‌گیرند اما در قیامت به جهت داشتن یک خصلت پسندیده قابلیت یافته و مورد شفاعت اولیای الهی قرار می‌گیرند. در برخی از روایات نیز آمده است که شیعیان گناهکار اگر در دنیا بخشیده نشوند، در برزخ عقاب می‌شوند تا در قیامت به جهنّم نروند^(۱). بنابراین هر مصونیت از عقاب و تضمین عدم عذاب به این معنا نیست که فرد عادل است و با ایمان کامل از دنیا رفته است.

ب: معنای حرف واو؛

اما در پاسخ به پرسش دوم می‌گوییم، تمامیت ادّعی اهل سنت بر این متوقف است که واو در ﴿لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾ عاطفه باشد نه استیناف.

در صورتی که واو عاطفه باشد، آیه بدین معنا می‌شود: همان گونه که خداوند سبحان، پیامبر ﷺ را رسوا و عقاب نمی‌کند، همراهان ایشان را نیز خوار و ذلیل نمی‌کند. لذا فقط در صورت عاطفه بودن «واو» نفی رسوایی و عذاب از پیامبر ﷺ، شامل صحابه نیز می‌گردد.

۱- علامه مجلسی در جلد ۵ بحار الانوار، صفحه ۳۳۴ می‌فرماید: بدان در بین امامیه اختلافی نیست که اصحاب کبائر از مؤمنین مخلّد در آتش نمی‌شوند اما اینکه آیا داخل در آتش می‌شوند یا فقط در محشر و برزخ عذاب می‌شوند اختلاف است. سپس ایشان در جلد ششم صفحه ۲۱۴ روایتی از امام صادق علیه السلام آورده‌اند که حضرت فرموده‌اند «والله ما أخاف عليكم إلا البرزخ». به خدا سوگند برای شما جز از برزخ نمی‌ترسم.

احتمال دیگری که در مورد «واو» وجود دارد. این است که حرف استیناف باشد؛ به این معنا که موضوعی طرح شود سپس پایان یابد و با حرف واو موضوع و مطلب جدیدی آغاز شود. در این صورت آیه مورد استشهاد دارای دو جز مستقل و مجزای از یکدیگر خواهد بود. در قسمت نخست، خداوند سبحان می‌فرماید: ما پیامبر ﷺ را رسوا و عقاب نمی‌کنیم، و در بخش دوم می‌فرماید: کسانی که با پیامبر ﷺ ایمان آورده‌اند، در روز قیامت نورشان راه را برای ایشان روشن می‌سازد. و البته از این نکته نباید غافل شد که روشنایی در قیامت تلازمی با عدالت و عدم عقاب اخروی ندارد. ممکن است شخص در قیامت راهنمایی شود و مقابل گامهایش روشن و نورانی باشد، اما به خاطر کردار و اعمال نا صواب دنیوی، در آخرت گرفتار عذاب الهی شود.

ج: عدم اثبات ایمان تمامی صحابه؛

پرسش دیگری که نیاز به پاسخ دارد این است که آیا از این آیه یا آیات دیگر ثابت می‌شود که تمام صحابه دارای مراتب کمال ایمانی بودند؟ آیه مذکور در صدد بیان این مطلب نیست که همه همراهان رسول الله ﷺ مؤمن و دارای ایمانی راستین و کامل بودند و تا آخرین لحظه حیات بر آن باقی ماندند. خداوند سبحان در این آیه می‌فرماید: ما، پیامبر ﷺ و کسانی که همراه ایشان ایمان آوردند را، رسوا نخواهیم کرد. این آیه به هیچ وجه ثابت نمی‌کند که تمام همراهان و صحابه دارای ایمانی راستین و واقعی بودند. در علم اصول فقه این مطلب ثابت شده و به صورت یک قاعده کلی در آمده است که اگر دلیلی متضمن

حکمی باشد هرگز اثبات موضوع نمی‌کند. توضیح بیشتر آنکه خداوند سبحان حکمی را بیان می‌کند و آن عبارت است از عدم رسوایی و عذاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنین، اما این حکم ثابت نمی‌کند که همه همراهان و صحابه مؤمن بودند.

قاعده دیگری نیز در علم اصول وجود دارد به این بیان که تمسک به عام در شبهه مصداقیه باطل و نا تمام است^(۱). تطبیق قاعده فوق در بحث حاضر به این صورت است که، خداوند متعال می‌فرماید: ما پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنین را رسوا نمی‌کنیم. اکنون پس از شنیدن این گزاره در مورد شخص خاص شک می‌کنیم که آیا این فرد جز مؤمنین است یا خیر؟ پر واضح است و شاید نیازی به مراجعه به علم اصول هم نباشد که با استناد به آیه مورد بحث نمی‌توان برای فرد مجهول، اثبات ایمان کرد.

د: شرط بقاء ایمان؛

قبلاً هم به این مطلب اشاره کرده‌ایم که در مورد ایمان و شرایط و ویژگیهای آن بحثهای فراوانی وجود دارد. نکته‌ای که پرداختن به آن به مناسبت بحث، خالی از لطف نیست این است که آیا صرف ایمان و مؤمن شدن و حدوث ایمان، موجب رستگاری اخروی و جاودانگی در بهشت است؟ به عبارت دیگر آیا ایمان تنها شرط حدوث دارد و شرط بقاء ندارد؟ یعنی آیا لازم نیست که ایمان آغازین را تا پایان حیات محافظت نمود؟

در پاسخ بیان می‌کنیم شکی نیست که ائصاف به ایمان ابتدایی برای

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به جزوه شماره ۴۶ صفحه ۱۱.

رستگاری و سعادت ابدی کافی نیست. مؤمن واقعی کسی است که ایمانی مستمر و ثابت داشته باشد و در ایمان پایمرد باشد. خداوند سبحان درباره کسانی که از ایمان گذشته خود باز گردند و مرتد شوند می فرماید:

﴿وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^(۱).

کسی که از آیینش برگردد و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک گذشته او، در دنیا و آخرت برباد می رود، و آنان اهل دوزخند، و همیشه در آن خواهند بود.

تباه شدن اعمال نیک^(۲)، عاقبت کسانی است که در ایمان خود استوار و ثابت قدم نمانند؛ بنابر این برای اثبات عدالت تمامی صحابه باید ثابت شود که همه اصحاب تا پایان عمر، حتی کسانی که پس از رسول الله ﷺ در قید حیات بودند ذره‌ای از مبدأ ایمانی فاصله نگرفتند حال آنکه قطعاً چنین موضوعی به شهادت تاریخ و گواه آیات و روایات معتبر به اثبات نرسیده است که نمونه‌های فراوان این مصادیق را در گذشته ذکر کردیم. و اکنون نیز به جهت یادآوری و تذکر دو نمونه دیگر را ذکر می‌کنیم.

دو نمونه از انحراف صحابه؛

به شهادت تاریخ و حتی به اعتراف بزرگان اهل سنت برخی از صحابه در

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۲- در علم کلام به تباه شدن اعمال نیک، «إحباط» گفته می‌شود.

زمان حیات رسول الله ﷺ و برخی دیگر پس از درگذشت ایشان مرتد شدند، در این زمینه در کتب اهل سنت روایات فراوانی وجود دارد. به عنوان نمونه به دو مورد اشاره می‌کنیم.

«فتزوج رسول الله ﷺ أم حبيبة بنت أبي سفيان وكانت قبله تحت عبيدالله بن جحش الأسدي، فمات عنها بأرض الحبشة وكان خرج بها من مكّة مهاجراً ثم افتتن و تنصّر فمات وهو نصراني وأثبت الله الإسلام لأمّ حبيبة... وأبت أم حبيبة بنت أبي سفيان أن تنصّر... حتى قدمت المدينة فخطبها رسول الله ﷺ فزوجها إياه عثمان بن عفان»^(۱).

پیامبر ﷺ با ام حبیبه دختر ابوسفیان ازدواج کردند. ام حبیبه پیش از آن همسر عبیدالله ابن جحش بود، عبیدالله در حبشه درگذشت، او از مهاجرینی بود که از مکّه به حبشه هجرت کرد، عبیدالله در حبشه مسیحی شد و با همان دین درگذشت. اما خداوند، همسرش را در اسلام ثابت قدم گذاشت و مسیحی نشد و پس از آنکه از حبشه به مدینه بازگشت، پیامبر ﷺ از او خواستگاری کردند و عثمان او را به همسری پیامبر ﷺ در آورد.

پیش از هجرت پر برکت پیامبر ﷺ به مدینه گروهی از مسلمانان برای رهایی از فشار مشرکان قریش، به دستور پیامبر ﷺ به حبشه (اتیوپی فعلی) مهاجرت کردند. مردمان آن سرزمین اکثراً مسیحی بودند لذا جعفر ابن ابی طالب

۱- مستدرک حاکم، جلد ۴ صفحه ۲۰.

برای اینکه احساسات نجاشی، پادشاه حبشه را تحریک کند و او را به اسلام علاقمند سازد آیاتی از سوره مبارک مریم را تلاوت کرد.

مسلمانان در مکه شرایط بسیار سختی داشتند، کسانی که در آن زمان و شرایط اسلام آوردند به حق کاری سترگ انجام دادند. عبیدالله ابن جحش در آن شرایط طاقت فرسا مسلمان شد. وی داماد ابو سفیان بود و می‌توانست از امتیازات مادی فراوانی برخوردار گردد، اما همه آنها را زیر پا گذاشت و اسلام آورد اما احتمالاً به علت بهره‌مند نبودن از راهنمایی آگاه در حبشه از اسلام بازگشت و مسیحی شد.

عبیدالله ابن جحش از مصادیق آیه مورد استشهاد می‌باشد؛ یعنی از همراهان با ایمان رسول الله ﷺ است. از طرف دیگر می‌دانیم که عبیدالله ابن جحش در حالی از دنیا رفت که نصرانی بود. اهل سنت در مورد عدالت این فرد چه نظری دارند؟ آیا او را عادل می‌دانند؟ در کتب اهل سنت روایتی دیگر بدین مضمون آمده است:

« عبدالله بن سرح یکتب لرسول الله ﷺ فلحق بالكفار فأمر به رسول الله ﷺ أن یقتل فاستجار له عثمان عنه فأجار رسول الله ﷺ» (۱).

عبدالله ابن سرح نامه‌های پیامبر ﷺ را می‌نوشت اما ناگهان به کافران ملحق شد و رسول الله ﷺ دستور قتل او را صادر کردند اما عثمان او را پناه داد و پیامبر ﷺ به او امان دادند.

۱- مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۴۵.

با تتبع در کتب روایی و تاریخی می‌توان به دهها مورد دست یافت، که افرادی در آغاز مسلمان و مؤمن شدند و مدتی نیز از همراهان رسول الله ﷺ بودند، اما سپس مرتد شدند و از اسلام باز گشتند. عقل سلیم حکم می‌کند که نمی‌توان چنین افرادی را عادل نامید؛ بنابر این نمی‌توان استدلال کرد که هر کس ایمان آورد و مدتی با پیامبر ﷺ بود، تا آخر عمر مسلمان باقی مانده است و عادل می‌باشد.

تأملی در آیه مورد استشهاد؛

تأمل و دقت در صدر و ذیل آیه مورد استشهاد (آیه ۸ سوره تحریم) نشان می‌دهد که این آیه نه تنها دلالتی بر عدالت صحابه ندارد، بلکه به نحوی بیانگر و افشاگر این موضوع است که بسیاری از صحابه که در آغاز ایمان آوردند، مرتکب گناه کبیره شدند و در نتیجه فاسق شدند. در صدر آیه مورد نظر آمده است:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفِّرَ عَنْكُم سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ﴾ .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به سوی خدا توبه کنید توبه‌ای خالص، امید است با این کار پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند.

خداوند متعال در صدر آیه به همه همراهان پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که توبه نصح کنند؛ یعنی توبه‌ای خالص و بی بازگشت به گناه. سپس در ذیل آیه آمده است؛

﴿رَبَّنَا آتِنَا نُورًا وَغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ .

پروردگارا نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانایی .

در ذیل آیه نیز همهٔ همراهان رسول الله ﷺ از خداوند متعال طلب بخشایش می‌کنند. اگر ما باشیم و اخذ به ظواهر آیات - همانطور که اهل سنت فقط به ظواهر آیات اکتفاء و استناد می‌کنند - باید بیان کرد که همه صحابه نخست مأمور به توبه شدند و سپس همه طلب عفو کردند. اگر همهٔ صحابه مؤمن و عادل باشند و مصون از عذاب و رسوایی، چرا مأمور به توبه شدند؟ آن هم توبهٔ نصح. چرا آنان از خداوند طلب عفو و مغفرت می‌کنند؟ آیا صحابه مرتکب گناه کبیره‌ای شده‌اند که از بیم رسوایی و افتضاح این چنین طلب عفو می‌کنند؟

بنابر این آیهٔ هشت سورهٔ تحریم از عهده اثبات ایمان همهٔ صحابه، استمرار ایمان آنان تا لحظات آخر حیات و در یک کلمه عدالت آنان قاصر و کوتاه است.

تفسیر نادرست اهل سنت؛

برخی از علمای اهل سنت برای تبرئه و تطهیر صحابه و بالا بردن مقام آنان حاضرند حرمت رسول الله ﷺ را بشکنند. لذا در تفسیر این آیه می‌گویند: چون نام رسول الله ﷺ در کنار نام صحابه بیان شده است یا باید هم دامان صحابه و هم پیامبر ﷺ را از گناه پاک و منزّه بدانیم یا اینکه اگر صحابه مرتکب گناه شده‌اند، از پیامبر ﷺ نیز گناه صادر شده باشد!

سخن و نظر فوق ناصواب بوده و دارای اشکالات فراوانی است. از جمله

اشکالاتی که می‌توان بر آنان وارد نمود عبارت است از:

۱ - حرف واو در ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾ واو عاطفه نیست و ظهور واو در استیناف قوی‌تر است؛ چون از نظر شیعیان پیامبر ﷺ دارای مقام عصمت هستند و بنابر نظر اهل سنت پس از نزول آیه

﴿لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾^(۱).

تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایت فرماید.

از پیامبر ﷺ هیچ گناهی سر نزد و ایشان مرتکب هیچ گناهی نشدند^(۲).

۲ - مصونیت پیامبر ﷺ در مقابل گناه، خروج تخصصی است؛ یعنی چه بخواهیم یا نخواهیم رسول الله ﷺ از دایره حکم خارج هستند و نام مبارک رسول الله ﷺ برای تکریم و تشریف صحابه در کنار نام آنان ذکر شده است و این همراهی و تقارن به این علت نیست که پیامبر ﷺ در عداد سایر مسلمانان می‌باشند و حکم به ایشان نیز اختصاص دارد.

۳ - امر به توبه و طلب بخشش برای رسول الله ﷺ و برای صحابه، دارای تفاوت بنیادین و جوهری می‌باشد. در این مورد لازم است که بین رسول

۱- سوره فتح، آیه ۲.

۲- تفسیر فخر رازی، جلد ۲۸ صفحه ۷۸ و فتح الباری، جلد ۱۱ صفحه ۳۷۸.

الله ﷺ و صحابه تفکیک قائل شویم. هر روز بارها سوره مبارک حمد را می‌خوانیم و از خداوند متعال درخواست هدایت می‌کنیم، اما درخواست ما با تقاضای ائمه اطهار علیهم‌السلام تفاوت اساسی دارد. ما درخواست هدایت و دستگیری داریم اما حضرات معصومین علیهم‌السلام راه را گم نکرده‌اند و معنایی بالاتر در نظر دارند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در تفسیر **اهدنا** می‌فرماید:

« تَبْتِنَا »^(۱).

ما را ثابت قدم دار.

همچنین بین طلب مغفرت ما با طلب عفو ائمه اطهار علیهم‌السلام تفاوت اساسی وجود دارد. صرف نظر از مقام عصمت و عصمت حضرات معصومین علیهم‌السلام، رسول الله ﷺ در مورد طلب مغفرت خویش می‌فرماید:

« إِنَّهُ لِيَغَانِ عَلَيَّ قَلْبِي حَتَّى اسْتَغْفِرَ اللَّهُ مَائَةَ مَرَّةٍ »^(۲).

به درستی که دلم غبار آلود (تار) می‌گردد تا اینکه صد بار طلب مغفرت کنم.

رسول الله ﷺ به این مطلب اشاره دارند که دل پاکیزه و نورانی زودتر از دل تیره و تار غبار آلود می‌شود؛ لذا دل‌های پاک نیاز بیشتری به استغفار دارند. به عنوان مثال لباسهای سفید زودتر تیره گی و آلودگی را نشان می‌دهد، اما لباسهای

۱- مفتاح الفلاح، صفحه ۷۸۸.

۲- بحار الانوار، جلد ۲۵ صفحه ۲۰۴ و از منابع اهل سنت بنگرید به: مسند احمد، جلد ۴ صفحه ۲۱۱.

تیره چنین نیستند. بنابر این دل معصومین علیهم السلام با یک نشست و برخاست یا برخورد با افراد گناهکار غبار آلود و کدر می‌شود. در روایات نیز آمده است که معصومین علیهم السلام هر روز بارها استغفار می‌کنند^(۱).

پیروی کنندگان از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؛

دهمین آیه‌ای که اهل سنت برای اثبات عدالت تمامی صحابه به آن استناد می‌کنند آیه شصت و چهار سوره مبارک انفال می‌باشد. در آن آیه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴾ .

ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، برای حمایت از تو کافی است. (فقط بر آنها تکیه کن)

این آیه بیان می‌کند که‌ای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خداوند و مؤمنینی که از تو پیروی می‌کنند، برای تو کافی هستند؛ یعنی اگر می‌خواهی به جنگ بروی یا به نشر و ترویج دین پردازی، گروهی از مسلمانان را به همراه خود ببر.

اهل سنت معتقدند بنابر این آیه، همه صحابه مؤمن و پیرو رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بودند؛ لذا همه آنان عادل می‌باشند.

در پاسخ می‌گوییم این آیه به هیچ وجه بر اینکه همه صحابه مؤمن و پیرو رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بودند دلالت نمی‌کند. آیا تخلف کنندگان از سپاه اسامه که مورد لعنت و

۱- کافی، جلد ۲ صفحه ۵۰.

نفرین رسول الله ﷺ واقع شدند^(۱)، پیرو رسول الله ﷺ هستند؟

به علمای اهل سنت می‌گوییم، تخلف برخی صحابه از سپاه اسامه قابل انکار نیست، اگر می‌پذیرید که گروهی تخلف کردند و بر این باور هستید که در عین حال مؤمن و عادل هستند. در پاسخ می‌گوییم با ادامه آیه شریفه چه می‌کنید که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۲).

و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند.

بنابر این کسی که از پیامبر ﷺ تبعیت نکند، مؤمن نمی‌باشد.

مطلب دیگر آنکه، نمی‌توان قائل شد که همه پیروی کنندگان از رسول الله ﷺ عادل می‌باشند؛ زیرا باید این پیروی و تبعیت تا آخرین لحظه حیات استمرار داشته باشد. حال آنکه می‌دانیم برخی از صحابه در دوره کوتاهی از رسول الله ﷺ پیروی کردند سپس مرتد شدند و از اسلام برگشتند.

یکی از مفسرین اهل سنت در مورد تفسیر آیه فوق می‌گوید؛ این آیه شامل حال همه صحابه نمی‌گردد؛ زیرا در مورد انصار نازل شده است؛ یعنی ای پیامبر ﷺ اهل مدینه برای تو کافی و بسنده هستند^(۳).

اگر نظر این مفسر را قبول کنیم وضع استدلال اهل سنت از آنچه هست

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۶ صفحه ۵۲.

۲- سوره انفال، آیه ۶۴.

۳- الدر المنثور، جلد ۳ صفحه ۲۰۰.

بدتر می‌شود چرا که این استدلال دست اهل سنت را در مورد اثبات عدالت بسیاری از بزرگان از جمله خلفا که از مهاجرین بوده‌اند، کوتاه می‌کند.

همنشینی رسول الله ﷺ با برخی از صحابه؛

یازدهمین آیه‌ای که اهل سنت برای اثبات عدالت تمامی صحابه به آن استناد می‌کنند آیه بیست و هشت سوره مبارک کهف می‌باشد. خداوند سبحان در این آیه می‌فرماید:

﴿وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تَطْعَمَنْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبِعْ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾.

با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و تنهای رضای او را می‌طلبند، و هرگز به خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها بر مگیر، و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختم اطاعت مکن، همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است.

خداوند سبحان در این آیه به رسول الله ﷺ دستور می‌دهد که همراه با جماعتی باشد که همیشه به یاد خدا هستند و شب و روز او را می‌خوانند و به دنبال زینت دنیا نیستند.

اهل سنت و نظریه پردازان عدالت تمامی صحابه بر این نظرند که

همراهان رسول الله ﷺ انسانهای مؤمن و عادل هستند؛ زیرا خداوند سبحان به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که با گروهی خاص معاشرت و همنشینی داشته باشد. این گروه قطعاً فاسق و کافر نیستند؛ زیرا شبانه روز خداوند را عبادت می‌کنند و به زیور و زینت دنیا چشم نیندوخته‌اند، در نتیجه آنان انسانهای صالح و عادل هستند.

در پاسخ به استدلال فوق می‌گوییم، این آیه دلالت ندارد که همه صحابه مؤمن و عادل می‌باشند؛ زیرا در این آیه دو گروه از صحابه معرفی شده‌اند و خداوند سبحان به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که تنها با یک گروه همنشین باشد. گروهی صالح و عادل هستند و مشغول عبادت خداوند هستند، و گروهی دیگر کور باطن هستند و از یاد خداوند غافل اند و از هوای نفس پیروی می‌کنند؛ بنابر این، آیه فوق نه تنها عدالت تمامی صحابه را ثابت نمی‌کند بلکه بر خلاف مدّعی اهل سنت می‌باشد و پرده از حالات گروهی از صحابه بر می‌دارد که هر چند پیرامون رسول الله ﷺ بودند اما دارای سه ویژگی ناپسند بودند؛

۱ - از یاد خدا غافل بودند؛ ۲ - از هواهای نفسانی پیروی می‌کردند؛ ۳ - کارهایشان افراطی بود.

جهاد و انفاق دو شرط عدالت؛

دوازدهمین و آخرین آیه‌ای که متکلمین اهل سنت برای اثبات ادّعی خود مبنی بر عدالت جمیع صحابه، به آن استناد می‌کنند، آیه ده از سوره مبارک حدید

می‌باشد. در این آیه خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ .

چرا در راه خدا انفاق نمی‌کنید در حالی که میراث آسمانها و زمین همه از آن خدا است؟ کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند، یکسان نیستند، آنها بلند مقام‌تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند، و خداوند به هر دو وعده نیک داده، و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: ای پیامبر ﷺ، کسانی که پیش از فتح مکه مسلمان شدند و به جهاد پرداختند و انفاق کردند با کسانی که پس از فتح مکه مسلمان شدند و جهاد کردند تفاوت دارند. گروهی که در مکه جهاد و انفاق کردند از نظر فضیلت با سایرین یکسان و برابر نیستند. اما ما به همه آنان وعده نیک (بهشت) می‌دهیم؛ چرا که این امر بر همگان واضح است که شرایط اقتصادی و اجتماعی مسلمانان پیش از فتح مکه بسیار دشوارتر از شرایط آنان پس از فتح مکه بود. مسلمانان پس از فتح مکه وضعیت اقتصادی مرفه‌تری را تجربه می‌کردند. اهل سنت بر این باورند، که چون خداوند متعال به همه

مسلمانان صدر اسلام - پیش و پس از فتح مکه - وعده بهشت داده است^(۱) لذا آنان باید افرادی صالح و عادل باشند؛ زیرا خداوند سبحان به افراد فاسق و گناهکار وعده بهشت نمی‌دهد و چنین انسانهایی وارد بهشت نمی‌شوند.

در نقد استدلال اهل سنت می‌گوییم آری! صحابه نیکوکار و مجاهد وارد بهشت می‌شوند اما آیا می‌توان همه صحابه را اهل انفاق و جهاد دانست؟ مگر نه آنکه گروهی از صحابه در میدان جنگ حاضر نمی‌شدند و گروهی دیگر در لحظات خطرناک جنگ، فرار را بر قرار ترجیح می‌دادند. برخی از صحابه بسیار بخیل و تنگ نظر بودند و حتی حاضر نمی‌شدند که حقوق شرعی و زکات بپردازند. لذا آیه فوق در صورتی می‌تواند عدالت صحابه را ثابت کند که ایشان دارای دو شرط باشند؛ ۱ - مجاهد باشند و در راه خدا بجنگند؛ ۲ - با سعه صدر و گشاده رویی به مستمندان کمک کنند.

بنابر این آیه فوق عدالت صحابه را ثابت نمی‌کند، و نمی‌توان قائل به جهاد و گشاده دستی همه صحابه شد.

این آیه تنها در مقام بیان تفاوت بین دو گروه از مسلمانان می‌باشد؛ کسانی که قبل از فتح مکه مسلمان شدند و کسانی که پس از آن ایمان آوردند. درست است که خداوند متعال به همه مسلمانان وعده بهشت و رستگاری داده است اما آن وعده مسبوق به آن دو شرط است. شخص باید مسیر سعادت را طی کند تا رستگار شود و در غیر این صورت دستیابی به رستگاری خیال خام خواهد

۱- الدر المنثور، جلد ۶ صفحه ۱۷۲.

بود. در یک کلام می‌توان گفت که خداوند به همه موجودات وعده نیک داده است به شرطی که در مسیر کمال و ایمان حرکت کنند.

یادی از شهید آیت الله مطهری علیه السلام؛

امروز در آستانه سالگرد شهادت آیت الله مطهری علیه السلام هستیم. ایشان حق عظیمی به گردن بسیاری از اساتید حال حاضر دانشگاه و حوزه دارند. من خود شاهد بودم هنگامی که ایشان، نام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را بر زبان جاری می‌کردند، اشک از چشمانشان جاری می‌شد. ایشان بسیار مخلص و مؤمن بودند.

متأسفانه امروزه بسیاری از کتابهای ایشان مورد غفلت واقع شده است. به جوانان توصیه و سفارش می‌کنم کتابهای شهید مطهری علیه السلام را با دقت مطالعه کنند، به خصوص کتابهایی از ایشان را که در مورد نظریات انقلاب و مسائل انقلاب می‌باشد. متأسفانه برخی از مطالب مهم کتابشان امروزه حذف و سانسور می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مَنِ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا﴾^(۱).

کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند یکسان نیستند. آنها بلند مقام تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند.

۱- سوره حدید، آیه ۱۰.

شهید مطهری رحمته الله علیه را بحق می توان مصداقی از آیه فوق دانست. ایشان فضایل فراوانی داشتند، اما مهمترین فضیلت ایشان این بود که قبل از پیروزی انقلاب، همراه انقلاب بودند و آن را یاری کردند و از اعتقادات مردم صیانت نمودند. ایشان از نشر و ترویج افکار و اعتقادات انحرافی با سلاح قلم و منطق جلوگیری کردند و با برهانی نیرومند با تفکرات التقاطی و انحرافی مبارزه نمودند. نباید شهید مطهری رحمته الله علیه را با کسانی که امروزه بر سر سفره گسترده انقلاب نشسته اند و مدعی انقلاب اند همسنگ و یکسان قرار دهیم. شرایط امروز را نمی توان با شرایط قبل از انقلاب یکسان دانست. امروزه، همه منابع و ذخائر در اختیار گروه حاکم است و شرایط مملکت عادی و آرام است. شرایط امروز را نمی توان با گذشته مقایسه کرد. گذشتگانی که از آغاز همراه انقلاب بودند را نیز نمی توان با کسانی که امروز داعیه دارند سنجید. امروزین میراث خوار زحمات گذشتگان هستند و بیش از زحمت کشیده ها هم مدعی می باشند.

انشاء الله خداوند متعال ایشان و تمام علمای شیعه را غریق رحمت بی کران خود سازد.

« والسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

خودآزمایی؛

- ① اهل سنت چگونه با استناد به آیه هشت سوره تحریم عدالت صحابه را ثابت می‌کنند؟
- ② آیا بین عدالت و عدم عذاب و رسوایی تلازمی وجود دارد؟
- ③ خزی دارای چند معنا می‌باشد؟
- ④ آیا ایمان تنها به شرط حدوث نیاز دارد؟
- ⑤ دو نمونه از انحراف صحابه را بیان کنید.
- ⑥ چرا ائمه اطهار علیهم‌السلام استغفار و توبه می‌کنند؟
- ⑦ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد توبه کردن خود چه می‌فرماید؟
- ⑧ دهمین آیه مورد استدلال برای اثبات عدالت صحابه چیست؟ آن را نقد کنید.
- ⑨ یازدهمین آیه، از آیات عدالت صحابه را بررسی و نقد کنید.
- ⑩ بر اساس آیه ۱۰ سوره مبارک حدید دو شرط مهم عدالت صحابه چیست؟
- ⑪ سپاهی را نام ببرید که گروهی از اصحاب از شرکت در آن خودداری کردند.

به سوی معرفت ۴۹

۲۷

تباه شدن اعمال نیک ، عاقبت کسانی است
که در ایمان خود استوار و ثابت قدم نماندند ؛
بنابر این برای اثبات عدالت تمامی صحابه باید
ثابت شود که همه اصحاب تا پایان عمر ، حتی
کسانی که پس از رسول الله ﷺ در قید حیات
بودند ذره‌ای از مبدأ ایمانی فاصله نگرفتند حال
آنکه قطعاً چنین موضوعی به شهادت تاریخ و
گواه آیات و روایات معتبره به اثبات نرسیده است
که نمونه‌های فراوان این مصادیق را در گذشته
ذکر کردیم .

(صفحه ۱۱ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ : نمابر